

مجله تخصصی معماری و شهرسازی
سال پنجم، شماره ۲۸
شماره پستی: ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰
پایه ۲۰۰۰ - ۲۸۲

Abadi

Quarterly Journal of
Architecture and Urbanism
VOL. 5, NO. 48
Autumn 2005

آبادی

مجله تخصصی معماری و شهرسازی





هویت زدایی از معماری

De-identifying the Architecture

نویسنده: حامد کامل‌نیا

Written by: Hamed Kamelniya

Abstract:

There is a longing to reach a universal identity among the people of the third world countries, specially the Arabian countries. That is to say, to dress and enjoy entrainments like those people of advanced countries and to use latest fashioned cars and buildings. In some countries, this subject is seen with pessimism and the attempt is to cover it up. But this is not a subject to be covered up.

Addressing the issue of identity is not a new subject any more, and today, the world is about to produce human beings made of forty different patches, which have no resemblance to a particular and specific identity.

Presently the attempt that is being made to Iranize everything, has no meaning, other than the repeat of the history, something which is not repeatable.

To create Iranian painting, Iranian theatre, Iranian philosophy, Iranian architecture and etc, has no meaning. The issue is to live within our own history and to create beauty and thought within its context. There was times that the human communities in order to separate themselves from others used to determine their identities on the basis of cultural elements, specially religion and language. But, since the renaissance, human essence gained a political-economic meaning. This problem does not only concern us, but in other countries too, specially in the third world countries contradictions in different domains is widespread.

We have to learn to live within the contrasts and pluralism of our communities, Our identity could not remain pure, supreme and monopolistic. Because, we are influenced by global relations. The subject that we face today is ignoring to reflect our social and economic situations in our architecture.

Ph.D. Student in Architecture, from Fine Art College of Tehran University.

حسرت رسیمن به یک هویت جهانی از سوی مردمان جهان سوم خاصه در کشورهای عربی وجود دارد؛ آنها خواهان جایی هستند که در آن همه مردم مانند کشورهای پیشرفته لباس بپوشند، تفریح کنند از اتومبیل‌های مدل بالا استفاده کنند و در ساختمان‌های کاملاً مدرن و پیشرفته زندگی کنند. این موضوع در کشورهایی که با نوعی آکراه و تردید مواجهند و سعی در پنهان کردن آن در پشت سلیق پر افتخار تاریخی دارند کاملاً محسوس است و تبعات و اثرات آن چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت.

پرخاستن به مسأله هویت امروزه دیگر موضوعی جدید و نو نیست و شاید دیگر جذابیت‌های گذشته‌اش را نیز به همراه نداشته باشد به گفته داریوش شایگان امروز دنیا در شرف تکوین انسان چهل تکه است که دیگر به یک هویت خاص و ویژه تعلق ندارد.^۱ «میلان کوندا» در رمان «جاودانگی» به مشکل بودن تثبیت اصالت فردی در دنیای امروز اشاره می‌کند و معتقد است در جهانی که صورت‌ها بیش از پیش مانند همدیگرند برای پرورش یگانگی دو راه وجود دارد:

۱- تفریق، که در آن هر چیز که جنبه عارضی و خارجی دارد از خویشتن کم شود چنان که ممکن است به صفر نزدیک شویم.
۲- جمع، چنان که هرچه بیشتر به دنبال جمع کردن صفاتی برای خود باشیم، در این حالت شاید ماهیت صفات در زیر صفات جمع و ملغون گردد.^۲

در حقیقت انسان امروز از آنجا دچار بحران هویت است که هویت دیگر مجموعه‌ای یکنسخت از ارزش‌های ثابت و مطمئن نیست.^۳ بعد از سال‌های دهه ۷۰ به طور کلی گفتمان هویت کم و بیش به انحصار شهرنشینان درآمد. به طوری که پست مدرنیسم هنگام بحث پیرامون مسأله هویت به زندگی شهری و شهرنشینی نگاه می‌کند و چشم به نظریه‌هایی دارد که نظریه پرازان مدرنیته ساخته و پراخته‌اند «جنگل» نگاهی معطوف به شهرهای بزرگ و تجربه‌های شهرنشینی دارد که از نیمه سده ۱۹ آغاز شد. با گسترش مدرنیته، شهرنشینی هم در سراسر جهان افزایش یافت و بسیاری از نویسندگان چنین وانمود کردند که تجربه‌های شهرنشینی سبب ساز پیادیش اندیشه‌های تازه درباره خویشتن خواهند شد.^۴

تر این مورد «داگلاس کلتن» به سه هویت اشاره می‌کند:^۵
۱- هویت پیش از مدرن که بیشتر تحت تأثیر مسائل اجتماعی و قومی و ... بود به طوری که در این نوع از هویت تردید نسبت به خود کمتر بود و هویت فردی براساس تعاریف مشخص از اسطوره‌ها، سیستم‌های قانونی و تعریف شده دیرین بود.
۲- هویت مدرن که زاده عصر روشنگری و خرد و زدودن آیین‌ها و افسانه‌ها است.^۶
۳- هویت پست مدرن که موجب گستره خواست‌ها برای فرد و نقش‌های بسیار برای او گردید.
«هائینس» برای پست مدرنیسم چهار هویت قائل شده است:^۷

۱- هویت‌های ملی

۲- هویت‌های جنسی

۳- هویت‌های زیست محیطی

۴- هویت‌های قومی (به‌ویژه از نوع ضد غربی)

درحالی که «جیمسون» و «بودریار» معتقدند خویشتن‌هایی که در مدرنیته با هزار مصیبت به دست آمدند در بحبوحه مصرف‌گرایی و



میدان الکندی

فرهنگ تودماها از دست رفتند « فوکو» برخلاف آنها عقیده دارد خویشمن ثابت^۴ از اول هم چیزی بیش از یک دل خوش کنک نبوده است.^۵

چنین به نظر می‌رسد پست مدرنیسم در معنای عام آن خود را چنان می‌نماید که به ارزش‌های بومی و منطقی‌ای ارج می‌دهد و به‌ویژه بزرگی جهان سوم بیش از بخش‌های دیگر جهان اهمیت قائل می‌شود. این سخن برای مردمان جهان سوم که شیفته تحسین دیگری از خود هستند بسیار خوش و دلپذیر آمد و بسیاری از ساکنان جهان سوم گول ظاهر را خورده و به آن چشم دوختند^۶ غافل از این که پست‌مدرنیسم زمانی که ترجمان خود را در معماری متجلی ساخت تبدیل به برداشتهایی مبتذل و تقلیدی از گذشته در یک سو و از سوی دیگر کپی برداری از معماری انتقاطی دهه ۷۰ غرب با استفاده از تقارن در فرم و پوسته‌های رنگی بود.

ایران و چالش‌های سه هویت

هویت ایرانی که بعد از ساسانی مدت‌ها به لایه‌های زیرین ره برده بود با ظهور پروژه مدرنیته در ایران بار دیگر موضوع بحث شد و زمانی مسجل گردید که پروژه مدرنیته در ایران ناتمام مانده، مسأله هویت و جستارهای آن بسیار بیش از گذشته خود را نمایان ساخت. در طول سده ۱۹ میلادی مسائل متعددی موجب ظهور اندیشه هویت طلبی و رواج آن خاصه در میان نخبگان روشنفکر ایرانی بوده است. زمانی که ایرانیان سرخورده از استعمار روس و انگلیس در حسرت پیداکردن روزنگاری برای فرار از این سایه تحقیرآمیز بودند رشد نمادهای یک جامعه مدرن (مانند راه‌ها، مطبوعات، مراکز آموزشی و دانشگاهی و...) موجب بینار شدن حس از یاد رفته ایرانی بودن شد در این سال‌ها کشور ایران تصویر زنده قلمرو سه هویت بوده است: هویت ملی، دینی و مدرن.

پیشینه تاریخی ایران که همراه با اسطوره‌ها و حماسه‌ها و گستره حکومتی است، مذهب و اندیشه دینی حتی قبل از ظهور اسلام و آنچه که ما را به جهان پیوند می‌زند خاستگاه این سه هویت هستند که به هریک می‌پردازیم:^۷

الف) معماری معاصر و هویت ملی

با گذشت به هویت پرشکوه ملی و پیوند با خاطرات ایران باستان در معماری معاصر ایران خاصه از زمان پهلوی اول مورد نظر واقع گردید برخی معتقدند که موضوع نژاد آریایی با برداشتی از نژاد برتر آلمان نازی در زمان جنگ جهانی دوم مطرح و موجب شد گرایش به سمت تجدید حیات دوران پرشکوه ایران گذشته و نمایش سیطره جهانی قدرت آریایی پدیدار گردد. این رویکرد که به طور عمده تجلی نوستالژیکی داشت در برخی از ساختمان‌های دوران پهلوی به صورت استفاده از فرم‌ها و موتیف‌های ایران باستان تجلی پیدا کرد. از نمونه‌های بارز آن می‌توان به ساختمان‌هایی مانند موزه ایران باستان، آرامگاه فردوسی و ... اشاره کرد.

در دهه ۷۰ میلادی شکوفایی بازار نفت و سرازیر شدن ثروت ناشی از آن در بخش‌های مختلف حرفه معماری که همواره تشنه پول بوده، باعث پدیدار شدن نمونه‌هایی از معماری به‌ویژه در ویلاها و کاخ‌های مجلل گردید در این زمان رسیدن به هویت ایرانی و به نوعی سر بلند کردن ایران به عنوان قدرت منطقه نمایش خود را در جشن سال ۱۹۷۱ در تخت جمشید به رخ کشید^۸ گردهمایی که در بنایی با نماد هویت بزرگی تجلی داد و در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۱

و کاملاً محسوس است. این مسأله موجب ظهور هویت‌های چندگانه با میزان تأثیر متفاوت در این کشورها گردیده است. میان ایران، هند عربستان، قطر، کویت و... تجلی هویت‌ها (با وجود فصل مشترک هویت دینی) متفاوت است و هر چند برای آنها مرزهای قابل تفکیکی نمی‌توان تصور شد و در حاله‌هایی متداخل در جامعه بروز نمودند اما نحوه تجلی هویت‌های چندگانه در ارتباط با معماری در این کشورها متفاوت است.

بعد از انقلاب اسلامی احیاء مذهب به عنوان اصلی‌ترین بخش از حیات اجتماعی جامعه ایرانی موضوع اصلی قرار گرفت و رویکرد دینی در تمامی شئون زندگی اجتماعی منظر واقع گردید هر چند که دین، به عنوان یک اصل پذیرفته شده در جامعه بعد از انقلاب هرگز به دنبال افتراق میان افراد مختلف جامعه نبود و همواره شعار برابری انسان‌ها و احترام به اندیشه‌ها مطرح بوده اما این مسأله بر کمتر کسی پوشیده است که رویکردهای تنگرو و تمامیت طلب که از دین به عنوان ابزاری جهت در اختیار گرفتن همه عرصه‌ها در کشور استفاده کرده‌اند، موجب پدیدار گشتن شکاف‌های بسیار عمیقی

(۲۳ مهر ۱۳۵۰) ایران را به رویایش برای تبدیل شدن به مرکز ثقل جهان نزدیک می‌کرد.^۹

بعد از انقلاب اسلامی با حضور اندیشه دینی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی پرداختن به موضوع ملیت و ملی گرایی کمتر گردید در این بین بعضاً ملی گرایی معادل با ضد دین بودن و برعکس آن از سوی برخی از روشنفکران، دیندار بودن به منزله عدول از آرمان‌های ملی تلقی می‌شد این پارادوکس‌ها که خاصه تا اواسط دهه ۷۰ (شمسی) در بستر سیاسی-اجتماعی کشور نمایان بود موجب شد تا این جریان در عرصه اندیشه اجتماعی کمتر مجال حضور پیدا نماید و در معماری نیز چنان ظهور پیدا نکرد. شاید بیشترین نمایش پرداختن به موتیف‌های ملی در بناها مربوط به گرایش‌های نئوکولونیالی است که اوج آن در دهه ۷۰ (شمسی) با استفاده از عناصری از معماری دوران هخامنشی و ... در نمای ساختمان‌ها و یا تزئینات داخلی اشرافیت تازه به دوران رسیده ظهور پیدا نمود.

به نظر می‌رسد معماری در این دوران شاید با نوعی محافظه کاری خود را درگیر این موضوع نکرد و در نمونه‌هایی برداشت از معماری بومی (مربوط به گذشته) به نوعی ترجمه این گرایش در معماری بود.

ب) معماری معاصر و هویت دینی

«هائیتینگتون» معتقد است که مسلمانان انبوه وار دوباره به اسلام روی می‌آورند زیرا اسلام برای آنان در حکم سرچشمه هویت، مشروعیت و ثبات است.^{۱۰}

تعلق به هویت اسلامی از سوی کشورهای مسلمان امری بدیهی است و در این کشورها هویت دینی متقدم بر دیگر هویت‌ها مطرح می‌گردد اما در میان کشورهای اسلامی تفاوت‌هایی وجود دارد. کشورهایی مانند هند و ایران که دارای پیشینه‌های تاریخی هستند در مواجهه با این موضوع با کشورهای عربی مانند عربستان، قطر، کویت و... که بیشتر متکی بر هویت‌های قومی هستند متفاوتند ولی در هر حال در این کشورها افزوده شدن هویت مدرن امری لاجرم



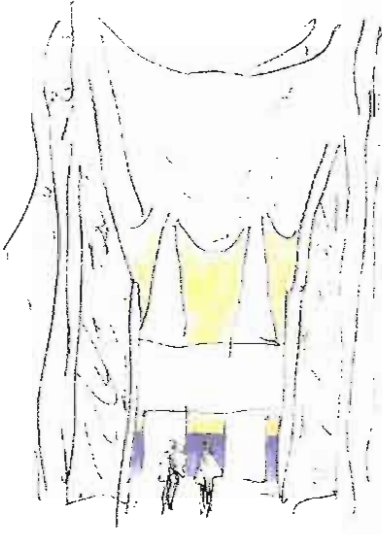
استادکده قطر، دوحه



تجمع مجلس کویت



مجلسه قطر، دوحه



میل فرد مختلف اجتماع با عقاید مذهبی متفاوت شده است و نتیجه آن به انزوا رفتن یا مهاجرت بخشی از اجتماع ایرانی بوده که همسو با این جریان فکری در جامعه نبودند و در نتیجه تعلق خاطر نسبت به جنبه‌های دیگر حیات اجتماعی و مدنی نیز رفته رفته کم‌رنگ گردیده است. پیامد این موضوع مسأله هویت نیز در ارتباط جدی ناپذیر با مذهب قرار گرفت و آنها که از میوه ممنوعه چشیدند نتیجه بی‌هویتی گردیدند. معماری مذهبی نیز در این سال‌ها بیشتر متوجه مکان‌های مذهبی بوده و به طور عمده رویکردی دکوراتیو با پذیرایی از موتیف‌های مذهبی در گذشته داشته است. استفاده از صاق و قوس، گنبد و کاشیکاری پیوندی جدایی‌ناپذیر با این موضوع داشته است، گویی هویت دینی مکان تنها با این عناصر است که معنا دارد...

ج (معماری معاصر و هویت جهانی^{۱۵})

«همه ما علی رغم خاستگاه و هویت فرهنگی‌مان غربی هستیم زیرا تجسم حقوق بنیادین بشریم که از دستاوردهای روشنگری است. ما به هویت‌های خود (که خدا می‌داند تعداد آنها چه بسیار است) باید هویت دیگری بیافزاییم؛ هویتی که ما را مستقل از نژاد، دین و تعلقات فرهنگی مان به دیگر انسان‌های جهان پیوند می‌دهد»^{۱۶} ظهور دهکده جهانی به عنوان تلقی امروزی از مدرنیته که مانند یادزهری در برابر دوران جنگ سرد بیان نظاره می‌شود زمینه دست کشیدن از منفعت‌طلبی‌های تنگ‌نظرانه ملی و مذهبی را فراهم نموده است.^{۱۷} امروزه در این دهکده جهانی هرکس به دنبال یافتن سهمی است تا این که از این قافله‌ای که به سرعت ره می‌پیماید عقب نماند و متهم به بربریت و عقب افتادگی نگردد. بسیاری معتقدند ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در فضایی تنفس می‌کنیم که حاصل جهانی شدن است. ظهور انقلاب الکترونیکی در دنیا به نوعی مرزهای جغرافیایی را درهم شکسته و فضای مجازی پدیدار گشته بستری برای تعاملات انسان‌ها در سراسر دنیا به وجود آورده است.

در معماری نیز بسیاری به دنبال استفاده از نشانه‌ها و مظاهر یک جامعه پیشرفته جهانی هستند تا ثابت کنند آنها نیز در این رقابت

سهمی دارند برای برخی از آنان که در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند این پرسش همیشگی مطرح است که چرا دیگران از آنها انتظار دارند هویت معماری خود را با استفاده از عناصری از معماری گذشته تضمین کنند.

آنها حاضر به پذیرش نگاه از سر ترحم کشورهای پیشرفته به معماری گذشته یا بومی خود نیز نیستند و می‌خواهند ثابت کنند (بعضاً با استفاده از هر روشی) آنها هم از مظاهر پیشرفت استفاده می‌کنند و راه سعادت جامعه خود را بازگشت به گذشته و گوش فرا دادن به لالایی تمدن و فرهنگ نمی‌دانند در این بین گروهی معتقدند مسأله هویت موضوعی است که کشورهای پیشرفته به دامان کشورهای جهان سومی انداخته‌اند تا آنها را به نوعی سرگرم و بحران‌زده از خویششان نمایند به هر صورت بخش قابل توجهی از معماری معاصر ایران (خاصه پیش از انقلاب) از دوران پهلوی و با کارهای معماران فرانسوی از یکسو و از سوی دیگر با کارهای معمارانی همچون فروغی، وارطان، گورکیان، آبکار و در نسل دوم با کارهایی از فرمانفرمایان، سیحون و... متأثر از معماری جهانی خاصه معماری مدرن بوده و بعضاً با اضافه کردن موتیف‌هایی از گذشته سعی در ایجاد تمایز آن با معماری بین‌الملل داشته‌اند اما تاثیر معماری بین‌الملل در آثار ایشان کاملاً محسوس است.

بعد از انقلاب این رویکرد ادامه یافته و در بسیاری از موارد تنها استفاده از مصالح بومی و تکنولوژی ساخت در بناها تردید ظهور کامل معماری بین‌الملل را در آنها به همراه داشته است هرچند که چنان اصراری هم برای گریز از این نوع معماری نبوده و از آنجا که برخی از معماران دوران حاضر تحصیل کرده مکتب معماری مدرن بین‌الملل بوده‌اند ظهور این رویکرد کاملاً توجیه پذیر و طبیعی می‌نماید.

هویت در مکان و زمان

هویت در ارتباط تنگاتنگ با مکان است. در فاصله جنگ‌های جهانی و پس از آن در دوران جنگ سرد، موضوع وطن و تعلق خاطر به آن در کشورهایی که با مسأله جنگ درگیر بودند دستخوش تغییرات محسوسی گردید نگاه به کشورهایی که در آنها مهاجرت از وطن به‌ویژه برای رهایی از نظام‌های تمامیت طلب صورت پذیرفته،

حتی در کشورهای اروپایی مانند روسیه و چک بر این مطلب صحه می‌گذارد که در این کشورها نیز آثار چنانی از معماری متعلق به مکان و با هویت مرتبط با بوم، در دوران یاد شده وجود ندارد. سینمای «تارکوفسکی» همواره نوستالژیایی غربت و سرگستگی در خویشتن روسیه را یادآور شده و «میلان کوندرا» نیز در رمان‌هایش بارها و بارها به هویت پاره پاره شده و در تلاطم چک نظر داشته است. بنابراین مهاجران مفهوم وطن و هویت در ارتباط با آن را خواسته یا ناخواسته تغییر دادند و گفتمان پست مدرن نیز آن را مورد تأیید قرار داد.

پس از انقلاب اسلامی موضوع مهاجرت^{۱۸} (که در گذشته نیز وجود داشت) ابعاد دیگری پیدا کرد و در حوزه‌های مختلفی مانند سیاسی، اقتصادی و علمی خود را نمایان ساخت. بدون تردید نمی‌توان این موضوع و تاثیر آن را در حس تعلق به هویت مکانی نادیده گرفت چنان که هویت ثابت در مکان، برای بخشی از جامعه به هویتی مابینی و در گذر مبدل گردید عدم حضور ثابت در مکان و نفوذ هویت مهاجرتی و در گذار، رابطه درونی با محیط و تعلق به آن را برای این دسته کم کرده، از سوی دیگر وجود اختلاف سلیقه در حوزه‌های مختلف جامعه انگیزه برای مهاجرت را به‌خصوص برای آنان که در حوزه اندیشه، علم و اقتصاد (که می‌بایست زیرساخت‌های مناسب را برای تیلور معماری با ویژگی‌های تکرارناپذیر و منحصر به فرد فراهم سازند) بالا برده است. اهمیت این مورد به اندازه‌ای است که «درینا» نظریه تصمیم گیری درباره هویت را قبول ندارد و اعتقاد دارد مهاجران اعضای خانواده تصمیم ناپذیر در این مقوله هستند^{۱۹}

یکی از موضوعاتی که خصوصاً در حضور و ظهور اندیشه‌های غرب در کشور ما باید مورد توجه باشد زمان پدیدار گشتن آنها در جامعه ایرانی است. اگر از لحاظ زمانی به ظهور اندیشه‌ها و مکاتب فکری در غرب و بعد از آن به ایران نگاهی بینانازیم، این مطلب روشن خواهد بود که به طور کلی در زمان افول اندیشه‌های حاکم بر مغرب زمین کشور ما پذیرای بی‌چون‌وچرای آنها بوده است. اگر نگاهی به تجلی اندیشه‌های دوران مدرن یا پسا مدرن در عرصه اندیشه و زمینه‌هایی نظیر ادبیات، سینما و... بیافکنیم این مطلب محقق خواهد بود.

در معماری زمانی که دوران تعالی معماری مدرن اواخر قرن ۱۹



مسجد جامع سامرا



معماری اسلامی، مراکش

در برابر استعمار انگلیس آغاز شد و هدف آن امتناع از قوانین دولت بریتانیا بود تا این که در جستجوی هویت هندی جدیدی باشد. بعد از استقلال هند در سال ۱۹۴۷ موضوع ملی گرایی در ارتباط با مدرنیسم به همان اندازه مطرح شد که درباره تجدید حیات دوران طلایی گذشته مطرح بود چنان که رهبران جنبش استقلال هند مانند «نهررو» از مدرنیسم به عنوان وسیله‌ای در راستای اعتلای آینده هند استقبال کردند.^{۲۲}

برای پیشگامان معماری هند نیز معماری مدرن جذاب بود با این که می‌داستند گذشته را به حاشیه می‌زنند هر چند که جنبش مدرن در هند بر خلاف غرب به آرامی صورت نپذیرفت و در ابتدا برداشت‌های صریحی از مدرن غربی صورت می‌گرفت، اما آگاهی و آشنایی «نهررو» با این مسأله موجب شد پروژه مدرنیسم در هند در جستجوی ارتباط میان شرق و غرب و تعریف درستی از این رابطه باشد در حالی که از تجربه مدرنیته به عنوان کلیدی در شکل دادن هویت ملی استفاده نمود.

اوج این فرایند دعوت از «لوکوربوزیه» برای طراحی شانلیکار بود. این حرکت سمبول هند مستقل و مدرنی بود که نهررو در تصور خود می‌پروراند.^{۲۳}

بعد از استقلال هرچند این کشور با مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو بود اما معماران در جستجوی به وجود آوری بناهایی مدرن و در ارتباط با سنت موجود خود و نیز چگونگی قراردادن معماری مدرن در زمینه فرهنگی خود بودند.

آنها سعی داشتند با استفاده از درس‌های معماری گذشته از غرب نیز بهره بگیرند که به طور طبیعی این پروسه موجب تقویت تکنگرایی شد که این خود برای قرن‌ها ویژگی منظرسازی در هند به شمار می‌رفت.

تا دهه ۷۰ مسأله ملی‌گرایی در هند به اندازه تلاش برای تقویت توسعه و در عین حال حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مهم و ارزشمند تلقی نمی‌گردید در سال‌های دهه ۸۰ روش‌های مختلفی برای به دست آوردن هویت پس از استقلال به کار گرفته شد معماری نیز در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هم در جستجوی وارد کردن مدرنیته و هم شروع یافتن مسیر و راهکارهایی برای رابطه با گذشته بود

«یورن لوترن» معمار دانمارکی نیز در ساختمان مجلس کویت با ایده گرفتن از چادر، سقف‌های منحنی و موجی از بتن را به کار گرفته و ستون‌های بلند بتنی را همچون درختان نخل سر به فلک کشیده با بازی نور و سایه مورد استفاده قرار داده است.

عربستان نیز با نمونه‌هایی از ساختمان‌هایی که هم متوجه سنت‌های پیشین معماری بوده و هم از تکنولوژی کاملاً پیشرفته بهره گرفته، مثال‌هایی را در معماری به نمایش گذاشته است. ساختمان بانک جدّه با حیاط مرکزی‌هایش و فرودگاه جدّه با استفاده از ۲۱۰ چادر، نمونه‌هایی از این نوعند.

برای نشان دادن هویت فرهنگی در قطر، فضاهای آموزشی مورد توجه بودند دانشگاه قطر در دوحه که توسط معمار مصری «کمال الکفرلوی» (۱۹۹۲-۱۹۲۶) طراحی گردید مثال از این نوع است. در این ساختمان نیازهای امروز برای یک فضای دانشگاهی با همه نیازهای تکنولوژیک آن با حفظ روح فرهنگی وجود دارد. در این بنا از تکنولوژی مدرن استفاده شده در حالی که در بهره‌گیری از فرم‌ها و شکل‌های اروپایی به شدت پرهیز شده است.

در سال ۱۹۷۳ زمانی که «کفرلوی» از طرف یونسکو مأمور برنامه‌ریزی و طراحی دانشگاه قطر شد به دقت درباره روش‌های سنتی زندگی و معماری در قطر مطالعه کرد و بعد از تحقیق‌های دقیق و جزئی به طرح آن همت گمارد و بعد از ۲ سال در سال ۱۹۷۵ طرح آن شکل گرفت. ساخت این بنا در سال ۱۹۸۰ شروع شد و در سال ۱۹۸۳ اولین فاز آن مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در این ساختمان تاکید بسیاری بر تهیه طبیعی در بنا، استفاده از حیاط مرکزی‌ها، شکل‌های چند وجهی و استفاده از نور طبیعی در فضاها شده است.

الکفرلوی درباره این بنا می‌گوید:^{۲۴}
«من در نظر داشتم راهی را توسعه دهم تا زندگی و ارزش‌های گذشته به زبان معماری بیان شوند به طوری که ارتباط روانی با ویژگی‌های قطر را تقویت کند و احساس تنام در محیط مدرن را فراهم سازد.»

راهی که هند رفت...!

موضوع هویت ملی در هند همزمان با جنبش‌های سال ۱۹۰۵

و نیمه اول قرن ۲۰، در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی مورد انتقادهای بسیاری واقع شد ما شاهد ساختمان‌هایی با سبک مدرن (بیشتر به سبک مدرن جیب‌های) به‌منحصر در شهرهای بزرگ کشورمان هستیم که در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی ساخته شدند اوج ظهور معماری پست مدرن را نزدیک به سه دهه بعد یعنی در اواسط دهه ۷۰ شمسی شاهد هستیم. چنین به نظر می‌رسد در معماری شاید بیش از حوزه‌های دیگر این تأخیر زمانی از نظر پیدایش سبک معماری در کشور محسوس باشد.

تجربه کشورهای در حال توسعه

معماری در جهان سوم در جستجوی پیدا نمودن راهی برای تلفیق نیازهای معاصر به الگوهای قدیمی و اغلب فراموش شده فضای سنتی است که در هارمونی با سبک و شیوه زندگی و ارزش‌های فرهنگی بودند. «الوکیل»^{۲۵} در این باره می‌گوید:

«توجه اتفاق افتاده این است که معماری مدرن قرن ۲۰ که حاصل تکرار و زمینه اجتماعی غرب است بدون هیچ تغییری در این کشورها به اجرا درآمده است. مردم از این که هویت خود را از دست می‌دهند بی‌تفاوتند و در جستجوی معماری مدرن اسلامی هستند ولی در عین حال آنچه آنها می‌کنند این است که هر ایده‌ای را از هر کجا که باشد می‌گیرند آنها ساختمان‌های مدرن را می‌گیرند و به آن یک طاق شام برمی و مقناری اشکال اسلامی به نمای آن اضافه می‌کنند و در کف یک حشت شامی را روی دیوارهای آن نصب می‌کنند و غیر می‌کنند که اسلامی شده است.»

در عین حال در دهه‌های گذشته در این کشورها نمونه‌هایی از احباب موفق وجود داشته به طوری که توانسته این پیوند را برقرار سازد.

در سال‌های اخیر کشور کویت سعی در استفاده از معماران بزرگ دنیا داشته است. برخی از آنها برای آشتی دادن سنت‌های گذشته با تکنولوژی مدرن تلاش نموده‌اند «کنزو تانگه» معمار آلمانی از فرودگاه کویت با قرار دادن مسجد در وسط سالن به دنبال ساختن ترکیب مناسب در جامعه بوده و با رویکردی استعاره‌ای در عین حال به عصاره آن تاکید کرده است.

چشم بست صحن به نیا این فرصت را داد تا از عناصر و زمینه‌های تاریخی نیز استفاده نمایند.

معماری خند در این سال‌ها درگیر تجربه چهار نوع هویت بوده است:

هویت چینی، منطقه‌گرایی، بومی‌گرایی و الگوهای از تولید معماری مدرن با مخالفت بخشی از آن که موجب عدم پیشرفت جنبش‌های تجدید حیات گرا باشد.

در چشم‌های یاد شده معماری هند تجربه جهانی شدن و پیوستگی از آن را به عنوان بخشی از حیات اجتماعی پذیرفت؛ در مباحث مربوط به منطقه‌گرایی به بخشی از معماری مدرن برای پاسخ به منطقه و نیازهای آن توجه ویژه داشت؛ در توسعه منطقه‌گرایی به موضوع بومی‌گرایی و حفظ سنت‌های بومی در منطقه و در پیوند با خوست‌های اجتماعی و اقتصادی پرداخت و در رویکرد «مدرنیسم منتقِل» آن بخش از معماری مدرن که مخالف موضوعات در ارتباط با گذشته بود را رد نمود.

بنابراین، نتیجه پذیرش هویت سیال به جای یک هویت پالایش شده و ثابت در معماری هند بود.

«کوره‌آ»^{۲۲} در ارتباط با این نوع تأثیرپذیری اعتقاد دارد که «بسیار ممکن است از هر جایی باشند اما موضوع اساسی این است که آنها از ریشه‌ها ناشی شدند یا خیر؟» وی در این بین اشاره دارد به این که بسیاری از ایده‌های گاندی برگرفته از امرسون بوده یا ایده‌های مائو برگرفته از مارکس بوده است اما هوش و توانایی افراد است که آنها را ریشه‌هایی دست پیدا کنند و آن را در کشور خود به کار گیرند او معتقد است: «هویت در طول زمان رشد می‌کند و چیزی نیست که بتوان آن را آگاهانه جستجو کرد؛ تنها می‌توان سعی کرد که مسائل اصلی و واقعی را پیدا کرد و آنها را حل کرد. بسیاری از مردم فکر می‌کنند معماران ژاپنی توانستند معماری ژاپن را خلق نمایند اما آنها این کار را نکردند در واقع آنها به سنت لوکوربوزیه ساختمان ساختند اما در طول زمان آن تبدیل به ژاپنی شد...».

هویت در زیر درخت^{۲۳}

مفهوم زیر درخت یک مفهوم ساده برای هندی‌ها است زیرا یادآور محیطی است که در آن زندگی می‌کنند آنها معتقدند درخت چیزی زیباست به طوری که نور را از لابه‌لای برگ‌هایش مانند فیلتری عبور می‌دهد و به هوا اجازه جریان داشتن را می‌دهد.

درخت محلی است که افراد گرد آن می‌آیند و وجود آن نه تنها مربوط به شرایط آب و هوایی بلکه در ارتباط با شیوه‌ای است که با خود و دیگران ارتباط برقرار می‌کنند.

مفهوم میز مربع شکل یک مفهوم غربی برای آنهاست چرا که رابطه‌های گذشته و سنتی ایشان همواره به طور حلقه و دایره‌وار بوده است. این رابطه‌ای است که وجود دارد، خواه به آن نام هویت بدیهم یا آن را چیز دیگری نام نهدیم.

بودن به جای داشتن

اگر به وجدان اخلاقی خود سرزنش و نگاهی واقع بین و صادقانه به ایران امروز خود بیافکنیم خواهیم دید مجموع جریان‌ها و اتفاق‌هایی که در کشور ما و در دهه‌های گذشته روی داده است، درست یا نادرست، دینی یا غیردینی، مدنی یا غیرمدنی، موجب شده که تعلق خاطر نه تنها معماران جوان بلکه در دیگر حوزه‌ها نیز نسبت به «خود» و بسیاری از آنچه که در ارتباط با آن است مانند «کشور خود»، «هویت خود» (اگر چنین اصطلاحی درست باشد) «معماری خود» و... کم‌رنگ شده است و کسانی که از نسل گذشته پرچم دار و دایه عزیزتر از مادر برای دفاع از خویش‌ن ایرانی و هویت ایرانی هستند به این موضوع دامن زده‌اند و مسأله را همچون دارایی و مایملکی برای خود فرض نموده و سعی در تحقیر و واپس‌رانی دیگرانی که سهمی از این ماجرا ندارند داشته‌اند.^{۲۴}

امروز جای این پرسش است، ایشان که چنین خود را مدعی نشان می‌دهند در این سال‌ها که مالک اقلیم وجود و هویت بوده‌اند چه چیز را برای دیگران به ارمان آورده‌اند. سالیوان معتقد است زمانی که شما ساختمانی را می‌سازید در واقع درباره خودتان صحبت می‌کنید.^{۲۵} امروز شما در هر شهری که قدم بزنید تمام آنچه که در پیش روی خود خواهید دید چیزهایی نیستند که شما در کشورهای دیگر آنها را ببینید نمایش چنین معماری نه در کشورهای پیشرفته وجود دارد و نه در کشورهای هم‌تراز با ما (یا حداقل بسیار نادرند) باید باور کنیم آنچه می‌بینیم ساختمان‌هایی با «هویت ایرانی» هستند معماری که مایه‌آزاد آن در جاهای دیگر نخواهد بود؛ پس تردید نسبت به هویت خود را می‌یابد کم نماییم. تصویری که در آینه و در مقابل خود می‌بینیم چیزی جز «خود» ما نیست پس به جای آنکه از آن فراری باشیم و به دنبال توجیهی برای این که «خود» را متعالی، با ارزش و... جلوه دهیم و تمامی گناه را از آینه بدنام خود را آنچه هستیم باور کنیم. در کنار همه صفات ارزشمند و فضیلت‌های ایرانی انتقاد از عدم صداقت، دروغ‌گویی و تقلب که متأسفانه گاه ملکه صفات ایرانی شده است. در گذشته توسط برخی از جهانگردان نیز مورد تأکید بوده است. گفته‌های شاردن در دروغ‌گویی، تملق و تقلب ایرانی و نمونه‌های مشابه داستان تکراری است که خود بیش از خارجیان بر آن وقوف

داریم. این صفات از بد حادثه با هویت ایرانی یکی و عجین شد است...^{۲۶}

معماری و زندگی آینه تمام‌نمای یکدیگرند اگر امروز ما صحبت از تقلید در معماری می‌کنیم به یقین در زندگی ما وجود دارد، اگر صحبت از فریب در معماری می‌کنیم تجلی آن در زندگی اجتماعی ما مشهود است و اگر از سرگشتگی در معماری شکوه می‌کنیم مگر در زندگی دچار آن نیستیم؟!

اگر به خاطره تاریخی خود رجوع کنیم هرگاه که خود را همچون «فاوست»^{۲۷} در آینه «کیچ» نظاره گر بودیم ره به بیراهه رفتیم و امروز باز هم این خاطره را زنده کرده‌ایم...

نمونه چیزهایی به ظاهر (و شاید واقعاً) وحشتناکی که شما ممکن است در یک شهر ببینید همان چیزی است که در بطن جامعه وجود دارد. معماری دروغ نمی‌گوید و انعکاس دهنده آرزوهای جامعه و به خصوص صاحبان خود است. این هویتی است که به وجود آمده خواه زشت باشد یا زیبا، خوب باشد و یا بد.

کوششی که امروز برای ایرانی کردن همه چیز صورت می‌گیرد هیچ معنایی ندارد مگر تکرار تاریخی که تکرار آن امکان ندارد به وجود آوردن نقاشی ایرانی، داستان‌نویسی ایرانی، تئاتر ایرانی، فلسفه ایرانی، معماری ایرانی و دیگر چیزهای ایرانی هیچ معنایی ندارد مگر تکثیر اشیاء عتیقه به شیوه عتیقه فروشان یهودی.^{۲۸} موضوع زیستن در تاریخ خود است و در متن آن آفرینن زیبایی و اندیشه؛ تا زمانی که جوامع بشری هویت خود را بر مبنای عناصر فرهنگی به‌ویژه دین و زبان تعیین می‌کردند در جامعه با اصالت دادن به آن و تمایز خود از دیگری به خود هویت جداگانه بخشیدند اما بعد از تمدن اروپایی رنسانس به این سو است که ماهیت انسان معنایی سیاسی- اقتصادی پیدا می‌کند. هیچ معمار، نقاش، شاعر و یا فیلسوف فرانسوی، آلمانی و یا ایتالیایی نمی‌خواهد معماری، نقاشی، شعر و یا فلسفه فرانسوی، آلمانی یا ایتالیایی به وجود آورد بلکه بی‌واسطه آفریننده آن است.^{۲۹} ما همواره به دنبال حل تناقض‌های میان تاریخ و فرهنگ بودیم. شاید هویت ما به گونه‌ای است که ما می‌بایست با این تناقض‌ها زندگی کنیم به جای اینکه به دنبال حل کردن آنها باشیم. این چندگانگی‌ها در اجتماع، فرهنگ و مذهب در کشورهای دیگری مانند هند آندونزی، سنگاپور، مالزی و... نیز وجود داشته و دارد.

«کوره‌آ» به چهار مقوله اساسی که می‌بایست مورد توجه باشند اشاره می‌کند:

- الگوهای زندگی: که در ارتباط با نحوه زندگی براساس اقلیم است.
- ساختمان‌هایی با ذخیره انرژی: ساختمان‌هایی که با توجه به شرایط آب و هوایی ساخته می‌شوند





مدرسه چهارباغ اصفهان

■ شهری‌سازی: توجه به مسأله مهاجرت و نیازهای زندگی.
 ■ طبیعت‌تغییر: آگاهی به این مسأله که زمانه در حال تغییر است و این واقعیت زندگی ما است.
 او معتقد است هویت یک فرایند است و نه یک شیء یاقتی؛ شاید چیزی مانند اثر برجای مانده از حرکت تمدن در خلال تاریخ. هویت‌مان را از طریق ترک آنچه در زندگی و مسائل واقعی ما وجود دارد توسعه می‌دهیم چنان که در زمان انقلاب صنعتی پیشگامان بدون نگرانی درباره هویت خود پیش رفتند در حالی که همچنان تکلیسی، فرانسوی و آلمانی باقی ماندند کشف هویت با فهم خود محیط اطراف حاصل می‌شود. آب و هوا و اقلیم موضوعاتی بسیار مهم در این پروسه است.

نگاه به مسائل اصلی و زندگی اجتماعی که در آن هستیم موضوع ما هستند به جای این که بعدیال هویت باشیم. الکتراوی^{۲۷} معتقد است:

«مسأله اساسی در این بخش از جهان این است که هنوز تعریف مشخصی از مفهوم و شیوه زندگی وجود ندارد یک میل قدیمی نسبت به شیوه زندگی سنتی موجود است اما در عین حال استفاده از تکنولوژی همه فعالیت‌های روزانه ما را تحت الشعاع قرار داده است. تکنولوژی شایسته است که در همه جا وجود داشته باشد اما ما نیازمند افراد متفکری هستیم، محتاج افراد فیلسوفی هستیم؛ مسأله تنها به معماری مربوط نمی‌شود این موضوع اساساً یک موضوع فلسفی است.»

این سوال وجود دارد که ما به دنبال به دست آوردن هویت از طریق فرایندهای خودآگاه مانند سمینارها، مقاله‌ها و... هستیم یا این که آن را به طور ناخودآگاه و از طریق شیوه زندگی کردن خود می‌خواهیم به دست آوریم؟

ما باید پیام‌وریم در میان تکنگرایی و تناقض‌هایی که در جامعه وجود دارد زندگی کنیم. این مسأله تنها منحصر به ما نیست بلکه کشورهای دیگر خاصه کشورهای در حال توسعه با این تناقض‌ها و کثرت‌ها در حوزه‌های مختلف درگیر هستند.

هویت ما نمی‌تواند منحصر، ممتاز و خالص باشد چراکه ما درگیر ارتباطات جهانی هستیم. موضوعی که گریبان‌گیر ما است گریبان بودن از وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌مان و نادیده گرفتن آن در معماری است.^{۲۸}

دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

از جمعیت ایران هویتی ملدن کسب کرده بود که به روی لایه های قومی - نسبی شخصیتش جای می گرفت و وضعیت جدید حساسیت انسانی ر که با ضرورت‌های زندگی مدرن خو کرده بود آزار می داد (افسون زدگی جدید. ص ۱۲۱).

۱۹- نیارشناسی پست مدرن. ص ۲۷۷.

- 20-Architecture at the crossroad, Islam- the search for identity, Video product.
- 21- Education and Arab Identity, University of Qatar, Doha 2002.
- 22- Architecture and contemporary Indian architecture, : 1.
- 23-ibid : 3.
- 24-ibid : 7.
- 25- Architecture and Identity, :35.
- 26-ibid : 33.

۲۷- امروزه بخش قابل توجهی از اساتید، مدیران و صاحب منصبان ما نسبی به هویتی هستند که بخشی از آن را وام دار حضور و تجربه در سرزمین های افسانه ای هستند حتی مدافعان سرسختی که در جستجوی هویت از دست رفته ایرانی هستند خود زائرانی هستند که از غرب آمده اند تا چون پیامبرانی فرهیخته بادآوربی هویتی مان باشند ...

- 28- Architecture and identity, :37.
- ۲۹- نامه، شماره ۲۰، بهمن ۱۳۸۱، ص ۷.
- ۳۰- در داستان «فاوست» زمانی که فیستوفل او را به خانه جادوگر می برد فایست تصویرخود را در آینه، بسیار دلفریب و زیبا می بیند. در واقع اصطلاح «کیچ» به معنی خود را در آینه فریب، دلربا دیدن، به کار برده می شود.
- ۳۱- ما و مدرنیته، ص ۸۵.
- ۳۲- همان منبع، همان صفحه.

- 33-ibid : 11.
- 34- Architecture at the crossroad, Islam- the search for identity, Video product.
- ۳۵- هریک از ما جمعیتی را در خود نهان دارد یعنی اشخاص یا تصاویر متعددی را درون خود گرد آورده است ... هرچه بیشتر بر هویت خویش تأکید کنیم هرچه تعلق خود را به فلان گروه یا ملت با صدای بلندتر جبار بزنیم، آسیب پذیری هویت خویش را بیشتر نشان داده ایم (افسون زدگی، ص ۱۳۳).

* این مقاله بخشی از تحقیق درس «معماری اسلامی» دوره دکتری دانشگاه تهران با هدایت جناب آقای دکتر لیوایان می باشد که در اینجا خلاصه ای از آن آورده شده است.

منابع:

- ۱. آلتوری، درپروش، ما و مدرنیته، موسسه فرهنگی صراط، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲. ابرمن، مارشال، تجربه مدرنیته، ترجمه: مراد فرهادپور، طرح نو، تهران، ۱۳۶۹.
- ۳. آشایگان، داریوش، افسون زدگی جدید ترجمه: فاطمه ولیانی، نشر و پژوهش فرزاد روز، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴. آشوکراس، ویلیام، آخرین سفروشه ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر پارس، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۹.
- ۵. شقره بانگی، علی اصغر، نیارشناسی پست مدرنیسم، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.

- 5-Architecture and Identity, The Aga Khan Award for Architecture Seminar, Malaysia, 1983.
- 7-Mehrotra, Rahul, Architecture and Contemporary Indian Architecture, Berlin University OF Technology, 2004.
- 8-The Phaidon Atlas of World Contemporary Architecture.

پی نوشت:

- ۱. ... ما خواه ناخواه در شرف تکوین انسان چهار نکه هستیم که دیگر به یک هویت خاص و ویژه تعلق ندارد و مالا چند هویتی است. به عبارت دیگر معادلات فرضی پیشین که مرزهای فرهنگی را مشخص و از هم جدا می‌کرد مانند ما و دیگران خودی و غیر خودی، شرق و غرب، شمال و جنوب، عمیقاً رنگ‌بسته است زیرا این‌ها همه در ترکیبات گوناگون در نسبت‌های متغیر در منظومه‌هایی که هر دم فرو می‌باشند و دوباره شکل می‌گیرند از میان می‌روند و دوباره ثواب می‌بندند. ظاهر می‌شوند... نسون زدگی جدید، ص ۸.
- ۲. همچنین در زمان «هویت»، کویداز، وضع نشان معاصر را بر ذره بین می‌گذارد و سرگشتگی و التهاب جان و روان او را به نمایش می‌گذارد.
- ۳- افسون زدگی جدید، ص ۱۳۹.
- ۴- نیارشناسی پست مدرن، ص ۲۷۶.
- ۵ همان منبع، ص ۲۷۴.
- ۶ مارشال برمن معتقد است: هوای انسان مدرن بیگانه راه دگرگون ساختن خویش را ایجاد دگرگونی ریشه‌ای در کل جهان فیزیکی، اجتماعی و اخلاقی است که در آن زندگی می‌کنند. نگ به: تجربه مدرنیته، ص ۲۸.
- ۷- نیارشناسی پست مدرن، ص ۲۸۳.
- ۸- «سازاراما»، در زمان «مرد تکثیر شده»، سن مروزا به عنوان سمبونی از فردی تکثیر شده که حتی خود نمی‌داند کیست معرفی می‌کند.
- ۹- نیارشناسی پست مدرن، ص ۲۷۴.
- ۱۰- همان منبع، ص ۲۸۸.
- ۱۱- پرسش اصلی که در اینجا پیش روی جامعه وجود داشته این است که چگونه می‌توان این سه قلمرو را در کنار هم نظم داد بی آنکه یکی دیگری را نفی کند؟ این ساختار سه لایه در عین حال امکانات تازه و شگفتی برای درک و ارتباط در اختیار ما می‌گذارد به شرط آن که بتوانیم هر سه لایه را در کنار هم سامان دهیم... نگ به: افسون زدگی جدید، ص ۱۶۸.
- ۱۲- آخرین سفروشه، ص ۳۸.
- ۱۳- اما حتی در این نمایش نیز چنان تحت تأثیر فرانسویان بودیم که در فرهنگ نیز از آن ابراز نگاری کرد و معتقد بود: «ماکه ۲۵ قرن صیرکردیم چرا ۲۳ سال دیگر هم صیرکردیم که مراسم بیشتر جنبه ایرانی داشته باشد.» نگ به: آخرین سفر شاه، ص ۱۱۲.
- ۱۴- افسون زدگی جدید، ص ۷۱. همچنین او معتقد است جهان آینده صحنه منازعات هشت تمدن عمده خواهد بود: غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلام، ارتدوکس، آمریکای لاتینی و آفریقایی... آسیایی شدن ژاپن، اسلامی شدن خاورمیانه، هندو شدن شبه قاره هند و روسی شدن روسیه از اینجا نشأت می‌گیرد. همان منبع، ص ۵۹.
- ۱۵- جهانی شدن در یکدست شدن شیوه های رفتار متبلور می شود اما در ضمن منظمین نگر هویت نیز هست که درخنده های گوناگون ظاهر می شود: هویت ملی، هویت قومی و هویت دینی، جهانی شدن سرپردهگی های مدنی و ملی را از میان می برد و بی خود از روابضی فراملی ماهی می گیرد. نگ به: افسون زدگی جدید، ص ۶۳.
- ۱۶- همان منبع، ص ۸۳.
- ۱۷- کیان شماره ۲۹، ص ۴۵.
- ۱۸- در این رابطه شایگان در کتاب خود می نویسد این امر که در طی انقلاب ایران طبقات پیشرفته جامعه به طور گسترده اقدام به مهاجرت کردند صرفاً ناشی از دلایل سیاسی نیست، ... این مهاجرت به دلایل دیگری روی داد. استقرار یک رژیم دینی اقتدارطلب و مبتنی بر هویت ساختار احساسی و عاطفی خاصی ایجاد کرد که منجر به نوعی احساس غربت تمدن آبادی شد... بخش خنثی

مدرسه

